

Energy diplomacy and Russian Regional Balance Strategy in the Middle East

Davood Karimipour

Assistant Professor of international relations at National defense university;

Karimipour.d@chmail.ir

Abstract

Notwithstanding absence of prominence in Soviet epoch, Middle East turned to be geopolitically weighty in Russian perspective predominantly during Islamic Awakening developments. Due to evocative geographical immediacy, Middle East regional balance of power as Russian intervention in Syrian crisis elucidates is a top priority for the country. Looking for an amended soft power in the region, through energy diplomacy Russia sets such an end. How Russia play as regional balancer in the region through energy diplomacy, the article by putting on qualitative case study seeks to illuminate among Iran, Saudi Arabia, Turkey and Israel. Hypothesis chosen is, Russia cooperates with the states to set a bed for the more political and economic influence as well as improving and upgrading the position against west in the world energy markets. Investment in Iranian energy sector, OPEC+ deal with Saudi Arabia, pipeline diplomacy in turkey and oil export to Israel are few among many Russian energy diplomacy balancing behaviors in the Middle East.

Keywords: *Russia, Energy Diplomacy, Balance of power, Middle East, Foreign Policy*

دیپلماسی انرژی و راهبرد موازنه منطقه‌ای روسیه در خاورمیانه^۱

داود کریمی‌پور

استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه عالی دفاع ملی karimipour.d@chmail.ir

چکیده

منطقه خاورمیانه در دوران شوروی اهمیت بالایی برای مسکو نداشت، اما با فروپاشی این کشور از یک سو و بروز تحولات ژئوپلیتیک به‌ویژه پس از تحولات بیداری اسلامی، اهمیت خاورمیانه برای روسیه به مرور افزایش یافته‌است. قرابت جغرافیایی حوزه منافع حیاتی این کشور با خاورمیانه سبب شده تا مسکو همواره نسبت به موازنه قدرت در خاورمیانه، حساسیت بالایی داشته باشد؛ همان‌طور که نقش آفرینی این کشور در بحران سوریه این مهم را به‌وضوح نشان داد. در سال‌های اخیر، مسکو تلاش کرده تا با ابزار «دیپلماسی انرژی»، ضمن تقویت بُعد نرم سیاست خارجی این کشور در منطقه، در حفظ موازنه قوا میان قدرت‌های اصلی در این منطقه، تأثیرگذار باشد. لذا مقاله پیش رو با تکیه بر روش مطالعه موردی کیفی با طرح این پرسش که «روسیه چگونه با رهیافت دیپلماسی انرژی به موازنه در میان کنشگران این منطقه می‌پردازد؟» به بررسی رفتار این کشور در قبال ایران، عربستان سعودی، ترکیه و اسرائیل می‌پردازد. فرضیه پژوهش آن است که روسیه با استفاده از ابزار انرژی، می‌کوشد تا قدرت‌های منطقه‌ای را به سمت همکاری با خود سوق داده تا ضمن گسترش حوزه نفوذ در منطقه، افزایش قدرت تأثیرگذاری در بازارهای جهانی و کنترل نفوذ غرب، به برقراری موازنه قدرت در منطقه کمک کند. همکاری این کشور در صنعت گاز ایران، روابط این کشور با عربستان در چهارچوب «اوپک پلاس»، همکاری با ترکیه و حضور در صنعت گاز اسرائیل، نمونه‌ای از این ابتکارهای دیپلماسی انرژی روسیه در خاورمیانه به‌شمار می‌روند که فصل مشترک آنها، موازنه‌بخشی میان قدرت‌های منطقه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: روسیه، دیپلماسی انرژی، موازنه قوا، خاورمیانه، سیاست خارجی

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۱۰ تاریخ بازبینی: ۹۹/۱۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۷

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹، صص ۶۱۳-۶۴۲

مقدمه

روسیه به‌عنوان کنشگری بسیار تأثیرگذار بر معادلات قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه، نقش بسزایی در پویایی‌های سیاسی و امنیتی این منطقه دارد. این مهم به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی و با روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۰۰ بیش از پیش در سیاست خارجی این کشور دنبال شد. پس از حمله آمریکا به عراق و کنترل منابع نفتی این کشور توسط آمریکا، مسکو که نگران از دست رفتن منافع خود در منطقه خاورمیانه بود، روابط ویژه‌ای را با کشورهای همچون جمهوری اسلامی ایران و ترکیه پیاده کرد. نگرش شرقی پوتین سبب شد تا روسیه به‌ویژه در سال‌های اخیر، به دنبال بازی با کارت کشورهای این منطقه در مقابل غرب باشد و از این‌رو همکاری‌های روسیه با دولت‌های منطقه خاورمیانه، علاوه بر ابعاد سخت، وارد مناسبات سیاسی و اقتصادی نیز شد. تأسیس اوپک گازی با همکاری ایران و قطر از یک‌سو و اوپک پلاس با عربستان سعودی پس از به اوج رسیدن تولید شیل آمریکا، تنها بخشی از دیپلماسی انرژی روسیه در منطقه خاورمیانه است که با هدف ایجاد موازنه منطقه‌ای صورت می‌گیرد.

با این حال نگاه به کنش این بازیگر فرامنطقه‌ای در خاورمیانه بیشتر از منظر امنیتی - سیاسی - نظامی صورت گرفته و کمتر به سویه‌های اقتصادی و انرژی - پایه سیاست خارجی روسیه در این منطقه توجه شده است. لذا مسئله اصلی تحقیق حاضر چگونگی برقراری موازنه نرم در خاورمیانه با بهره‌گیری از ابزار انرژی است. در واقع نویسنده به دنبال تبیین این مسئله است که مسکو علاوه بر بعد سخت با کمک ابزار انرژی تلاش می‌کند تا رفتار بازیگران این منطقه را مدیریت

کرده و نفوذ خود را در منطقه حفظ کند.

پرسش اصلی مقاله پیش رو این است که روسیه چگونه با ابزار انرژی در میان کنشگران منطقه خاورمیانه موازنه ایجاد می‌کند. به این منظور با توجه به اینکه مسکو از مهم‌ترین شرکای فرامنطقه‌ای کشورهای هم‌چون جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، ترکیه و اسرائیل است، در مقاله پیش رو به ابعاد روابط و نقش دیپلماسی انرژی در مدیریت روابط با این کنشگران پرداخته شده‌است. روسیه در روابط خود با هریک از این دولت‌ها، دارای اهداف و منافع مشخصی است. با وجود اینکه این کنشگران هریک دارای منافع متضاد و متعارضی با یکدیگر بوده و در مورد جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل این تعارض به مراتب نیز شدیدتر و جدی‌تر است، روسیه توانسته با عنصر انرژی، روابط خود را به گونه‌ای با این دو بازیگر مهم خاورمیانه مدیریت کرده و حفظ کند. در این زمینه چند اثر پژوهشی منتشر شده که از آن جمله می‌توان به مهم‌ترین آنها اشاره کرد:

مقاله کوشکی و طاهری‌بزی با عنوان «حضور روسیه در خاورمیانه در دوره پوتین» که در سال ۱۳۹۴ منتشر شده، به بررسی چگونگی تحول راهبرد روسیه در دوره پوتین می‌پردازد طی این مدت روسیه در تلاش برای احیای نقش شوروی، تلاش کرد تا با دولت‌های منطقه خاورمیانه، روابط نزدیکی برقرار کند. لذا علاوه بر ایران، اسرائیل، فلسطین و مصر و یمن نیز در دستورکار سیاست خارجی منطقه‌ای روسیه قرار گرفت. مرادی و بهرامی‌پور در «راهبرد انرژی روسیه: ضرورت همکاری با اوپک» به بررسی تعامل روسیه با اوپک می‌پردازد. یافته‌های مرادی و بهرامی‌پور نشان می‌دهد که مسکو نسبت به اثرگذاری خود بر جایگاه اوپک در بازار جهانی انرژی اطمینان داشته و لذا سعی، جلب منافع حداکثری از طریق همکاری با این سازمان است. حاجی یوسفی و ذوالفقاری در «فرهنگ راهبردی و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه» معتقدند کنش روسیه در منطقه خاورمیانه متأثر از چشم‌انداز بین‌المللی این کشور بوده و راهبردها و اهداف کلان و عملیاتی جدید روسیه در خاورمیانه تابع محورهای این چشم‌انداز هستند. در «روابط روسیه و اسرائیل در پرتو نقش منطقه‌ای ایران» شعرباف و جریست با اذعان

به اینکه کنش روسیه در منطقه خاورمیانه موازنه‌گرا بوده به بررسی تعاملات روزافزون روسیه و اسرائیل در عرصه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی اشاره کرده و به این مهم اشاره می‌کند که روسیه فارغ از روابط نزدیک خود با ایران، سعی در بهبود مناسبات با اسرائیل دارد. بررسی مقالات و آثار منتشر شده نشان می‌دهد که تاکنون دیپلماسی انرژی روسیه به‌طور مستقل و با رویکرد تطبیقی در منطقه خاورمیانه مورد توجه قرار نگرفته و لذا این مقاله می‌کوشد تا با ارائه چهارچوب مفهومی جدیدی به تبیین این مهم بپردازد.

۱. چهارچوب مفهومی

برخی برای فهم بهتر اقتصاد سیاسی بین‌الملل قائل به ترکیب نظریه‌های سنتی این رشته هستند. این ایده که از سوی «رابرت گیلپین» مطرح شده، معتقد است سیاست چهارچوب اقتصاد را تعیین می‌کند، اما روابط اقتصادی حاصل جمع جبری صفر نیست. از سوی دیگر وی عناصر مارکسیستی را نیز در نظریه خود دخیل کرده و معتقد است برخلاف نظریه‌های لیبرالیسم که روابط اقتصادی را سبب توسعه و رفاه و ایجاد صلح و ثبات می‌دانند، قانون توسعه نابرابر و سلسه‌مراتبی بودن اقتصاد جهانی همچنان پابرجاست و نمی‌توان تمامی مفروضات لیبرالیسم را پذیرفت (قاسمی، ۱۳۸۴، ص. ۳۹). در واقع از نظر وی هیچ یک از سه نظریه «مارکسیسم»، «لیبرالیسم» و «مرکانتیلیسم» ارائه‌دهنده فهمی کامل و رضایت‌بخش از ماهیت و پویای اقتصاد سیاسی بین‌الملل نیستند و به‌منظور درک هرچه بهتر این پویاها باید آنها را با هم به کار گرفت و پدیده‌ها را تحلیل کرد (Gilpin, 1987, p. 43).

گیلپین بر این باور است که پس از پایان جنگ سرد، موضوعات اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار شده و جایگزین نگرانی‌های امنیتی نظامی آمریکا و متحدانش شده‌اند. اگرچه نمی‌توان و نباید مسائل اقتصادی و امنیتی را از یکدیگر تفکیک کرد و باید گفت که این دو حوزه به‌شدت به یکدیگر مرتبط و در هم تنیده‌اند. نظام امنیتی و سیاسی بین‌المللی بستر لازم برای کارکرد اقتصاد بین‌المللی را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر اقتصاد بین‌المللی و داخلی نیز با تولید ثروت

اساس نظام سیاسی بین‌الملل را ایجاد می‌کند. کارکردهای اقتصاد جهانی به صورت مشترک توسط بازارها و سیاست‌های دولت ملت‌ها و به‌ویژه دولت‌های قدرتمند شکل می‌گیرد. در واقع بازارها و نیروهای اقتصادی به‌تنهایی نمی‌توانند تعیین‌کننده ساختار و کارکرد اقتصاد جهانی باشند. قواعد اقتصاد بین‌الملل که شرکت‌های چندملیتی و فعالان امور اقتصادی بین‌المللی مجبور به رعایت آن هستند، توسط دولت‌ها و به‌ویژه دولت‌های بزرگ شکل گرفته و اغلب برای منافع سیاسی و اقتصادی دولت‌های مسلط و شهروندان وضع شده‌اند (گیلپین، ۱۳۸۷، صص. ۲۷-۲۸).

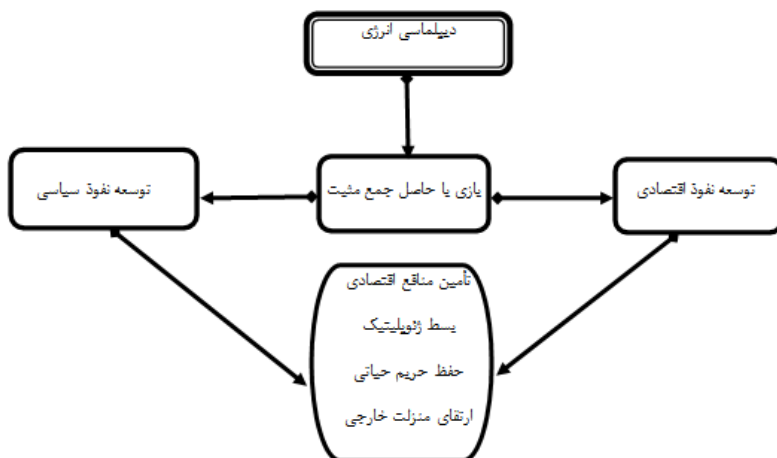
با افزایش اهمیت اقتصاد در قدرت ملی کشورها، دستیابی به منابع انرژی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌ها برای تبیین رفتار دولت‌ها به‌ویژه دولت‌های بزرگ در عرصه سیاست خارجی است. بررسی روندهای موجود در ساختار جدید اقتصاد سیاسی بین‌الملل مؤید آن است که در این ساختار، انرژی از ارکان مهم سازندهٔ هژمونی بوده و نقشی استراتژیک در رویکردهای قدرت‌های بزرگ جهانی در این خصوص ایفا می‌کند (صادقی، ۱۳۹۴، ص. ۸۶).

اهمیت استراتژیک نفت و گاز در کنار اولویت یافتن دیپلماسی در تأمین امنیت ملی، سبب شده تا کشورها از ابزار نفت و گاز در عرصهٔ دیپلماسی بیش‌ازپیش استفاده کنند. در این میان کشورهای دارنده نفت و گاز هر یک به شیوه‌ها و رویکردهای مختلف، تلاش کرده‌اند تا از نفت و گاز در عرصهٔ سیاست خارجی خویش استفاده کنند. دیپلماسی انرژی در واقع محصول تلاش کشورها برای بهره‌گیری از ابزار انرژی برای تحقق اهداف و منافع ملی در عرصه سیاست خارجی است.

دیپلماسی انرژی، ابزار ترکیبی در سیاست خارجی است که با توجه به نوع سیاست خارجی و اهداف و منافع ملی، بسیار انعطاف‌پذیر بوده و گونه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. دیپلماسی انرژی می‌تواند از همکاری متقابل در پروژه‌های نفت و گاز به‌منظور توسعه میادین مشترک یا تلاش برای کسب اتفاق نظر و حداکثرسازی منافع ملی کشورها در یک سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی

تا ابزاری برای اعمال نفوذ از طریق اجبار تعریف شود. دیپلماسی انرژی، تلاش می‌کند تا سیاست خارجی را نه تنها در عرصه‌های مربوط به اقتصاد به هدف برساند، بلکه به‌واقع ابزاری است که با ایجاد وابستگی متقابل در حوزه حیاتی انرژی، منافع سیاسی، بسط ژئوپلیتیک، حفظ حریم حیاتی، ارتقای امنیت ملی، ایجاد رفاه اقتصادی و منزلت بین‌المللی و در یک کلام تضمین بقا و موجودیت یک نظام سیاسی را در سیاست خارجی تأمین کند (نیاکویی و دیگران ۱۳۹۸، ص. ۱۹۶). در ادامه مدل مفهومی این تحقیق مبتنی بر «نظریه اقتصاد سیاسی گپلین» ارائه می‌شود:

مدل ۱. مدل مفهومی تحقیق



این مدل مفهومی نشان می‌دهد که دیپلماسی انرژی براساس «بازی حاصل جمع مثبت» بنا شده است. در چنین بازی‌ای درحالی‌که یک طرف از حمایت‌های اقتصادی و یا سرمایه‌گذاری طرف مقابل برخوردار می‌شود، هم‌زمان زمینه را برای توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی آن فراهم می‌کند. کشوری که به‌طور فعال از دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی خود استفاده می‌کند، درواقع تلاش می‌کند که علاوه بر تأمین منافع اقتصادی، منزلت بین‌المللی، بسط گستره ژئوپلیتیکی و تأمین ثبات امنیتی در مناطق حیاتی خود را نیز دنبال کند. مطالعه دیپلماسی انرژی روسیه در منطقه خاورمیانه نیز به‌خوبی نشان می‌دهد که مسکو چگونه با کمک ابزار

انرژی، علاوه بر اینکه نفوذ اقتصادی خود را در منطقه حفظ می‌کند، با ارائه خدمات فنی در بخش بالادستی، احداث خطوط لوله، همکاری در تعیین قیمت‌های جهانی و ... نقش مؤثر خود را در معادلات سیاسی این منطقه نیز حفظ خواهد کرد. این درحالی است که برخلاف نفوذ از طریق ابزارهای سخت نظامی - امنیتی که معمولاً با مقاومت یا مخالفت سایر کشورها مواجه می‌شود، توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی با ابزار انرژی با استقبال همراه شده و مسکو توانسته طی سال‌های اخیر با موفقیت این راهبرد خود را پیاده سازد.

۲. راهبرد انرژی روسیه

جروسیه با درک این واقعیت که قدرت اقتصادی در نظام بین‌الملل ابزاری تعیین‌کننده است، تلاش می‌کند با در پیش گرفتن الگوی رفتار سیاسی واقع‌گرایانه از انرژی بهره‌برداری حداکثری کند. در چند سال گذشته اجرای یک رشته برنامه‌های اصلاحات در نفت و گاز، روسیه را تبدیل به بازیگری تعیین‌کننده کرده‌است (فرجی‌راد و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۳۴). روسیه با وجود اینکه سومین تولیدکننده بزرگ انرژی جهان به‌شمار می‌رود، تنها ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را به خود اختصاص داده‌است. از این رو مهم‌ترین اولویت راهبرد روسیه تا سال ۲۰۵۰، افزایش حداکثری درآمد و صادرات انرژی است (Mitrova et al., 2019, p 11).

با بررسی رفتار خارجی روسیه در محیط‌های مختلف سیاست خارجی، می‌توان تشخیص داد که دیپلماسی انرژی نقش بارزی در سیاست‌ها و رویکردهای روسیه دارد. از مهم‌ترین رویکردهای روسیه در دیپلماسی انرژی، روابط پایدار با مصرف‌کنندگان سنتی انرژی از یک سو و ایجاد روابط پایدار با تولیدکنندگان در بازارهای جدید جهان انرژی است (معین‌الدین و دیگران ۱۳۸۹، ص. ۲۲۰). باید توجه داشت درآمدهای بخش انرژی صرفاً محرک اقتصاد روسیه نیست و مهم‌ترین کسب حمایت داخلی و از نافذترین سازوکارهای سیاست خارجی این کشور است (نوری، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۴).

درواقع مهم‌ترین عامل محرک روسیه برای احیای جایگاه خویش و کسب منافع حداکثری، توانایی تأثیرگذاری بر منابع انرژی در سطح منطقه‌ای و جهانی

است (مرادی و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۷). هیئت حاکمه روسیه با چرخش از آرمان‌گرایی دوران شوروی به واقعیت‌های ژئواکونومیک جهان قرن بیست و یکم در پی آن هستند تا با بهره‌گیری از ابزار انرژی به‌عنوان قدرت نرم، ابتدا نفوذ خود را در مناطق پیرامونی توسعه بخشیده و از این ابزار در رقابت با سایر قدرت‌ها و همچنین توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی دولت روسیه استفاده کنند (صادقی، ۱۳۹۱، ص. ۲۲۱). همان‌طور که پوتین جهت‌گیری سیاست خارجی خود را به‌صراحت مبتنی بر رهبری انرژی جهان اعلام کرده‌است (پسندیده، ۱۳۹۰، صص ۹۷-۹۸). با بررسی سیاست خارجی روسیه در منطقه خاورمیانه به‌طور ویژه مشخص می‌شود که چگونه پیوند میان اهداف راهبرد انرژی و سیاست خارجی، نقش بارزی به دیپلماسی انرژی روسیه در منطقه خاورمیانه داده‌است. می‌توان این‌گونه برداشت کرد که دیپلماسی انرژی، محور اصلی قدرت نرم روسیه در عرصه سیاست خارجی است که در مناطق مختلف و از آن جمله منطقه خاورمیانه، تأثیر بارزی داشته‌است.

۳. سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه

خاورمیانه تنها محیطی است که روسیه می‌تواند نشان دهد تنها قدرتی منطقه‌ای با رویکردی تجدیدنظرطلبانه نیست، بلکه کنشگری جهانی با قدرت تغییر از طریق مدیریت منازعات مهم است (Baev, 2015, p. 1). چراکه اساساً نگاه روسیه به منطقه خاورمیانه متأثر از چشم‌انداز بین‌المللی این کشور است (حاجی یوسفی و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۵). از آنجاکه روسیه یکی از کنشگران بسیار مهم عرصه انرژی است و از طرفی اقتصاد این کشور نیز وابستگی بسیار بالایی به قیمت انرژی در بازارهای جهانی دارد، لذا این کشور ناگزیر از پیگیری اهداف اقتصادی در منطقه خاورمیانه است.

سیاست خارجی روسیه پس از شوروی در قبال منطقه خاورمیانه با فراز و نشیب‌های پرشماری همراه بوده‌است. در واقع روسیه بنا بر مؤلفه‌ها و متغیرهای گوناگونی که بر سیاست خارجی این کشور تأثیر می‌گذارد، در سالیان گذشته رویکردهای متفاوتی را در قبال این منطقه دنبال کرده‌است (اطه‌ری و دیگران،

۱۳۹۰، ص. ۶۲). در سند تدبیر سیاست خارجی این کشور آمده است: «روسیه همچنان سهم قابل ملاحظه‌ای را در تثبیت اوضاع در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ادا می‌کند. از تلاش‌های جمعی در جهت خنثی کردن تهدیدهای ناشی از گروه‌های تروریستی بین‌المللی حمایت خواهد کرد و سیاست پیگیری را برای حل و فصل سیاسی دیپلماتیک مناقشات دولت‌های این منطقه براساس احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی آنها، حق تعیین سرنوشت خود توسط خود آنها و بدون مداخلات خارجی دنبال خواهد کرد.» (سند تدبیر سیاست خارجی روسیه، ۲۰۱۶، صص. ۲۱-۲۸).

از این‌رو روسیه برای اینکه بتواند تأثیرگذاری خود را در این منطقه حفظ کند و در عین حال سهم قابل قبولی از ثبات منطقه خاورمیانه داشته باشد، دست به اتخاذ راهکارهایی زد که مهم‌ترین خطوط آن گسترش روابط سیاسی با کشورهای منطقه، بهبود وجهه سیاسی نزد ملت‌های خاورمیانه، اتخاذ مشی مستقل در بحران‌های منطقه، افزایش سطح تجارت با کشورهای منطقه بالأخص تجارت اسلحه، فروش فناوری‌های هسته‌ای و مشارکت در پروژه‌های انرژی و تشکیل اوپک گازی بوده است (دیلمی معزی، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۷). در این میان از جمله ابزارهای مهم روسیه برای نیل به اهداف خویش در این منطقه، توسعه روابط انرژی بوده است. روسیه به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان عمده انرژی، کشورهای ثروتمند خاورمیانه را به‌طور هم‌زمان به‌عنوان شریک و رقیب می‌پندارد و سود حاصل از حفظ بهای نفت را به‌طور مؤثر با آنها تقسیم می‌کند. روسیه امیدوار است که رقابت در بازار گاز را تنظیم نماید. روسیه با شرکت در پروژه‌های نفت و گاز کشورهای منطقه می‌کوشد تا نقش شرکت‌های روسی در بخش انرژی این کشورها را تقویت کند (سهرابی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۲).

مسکو همواره در این منطقه تلاش می‌کند تا خود را به‌عنوان قدرتی مصالحه‌جو و میانجی‌گر نشان دهد. در حال حاضر روسیه این سیاست را با استفاده از ابزار دیپلماسی انرژی پیش می‌برد. «کرمین» در این زمینه تلاش فراوانی کرده تا بتواند میان عربستان و ایران بایی از مذاکره را باز کند که در نهایت نیز با شکست نشست اوپک در آوریل ۲۰۱۶، دشواری این مسیر بیش از پیش نمایان

شد. ابزار انرژی همچنان به این کشور کمک کرده تا توازن را در روابط میان کشورهای منطقه برقرار کند. برای مثال در حالی که عربستان و روسیه هر دو در سال ۲۰۱۶ به افزایش قیمت جهانی نفت نیاز داشتند، توانستند با کاهش تولید به اهداف خود برسند. از سوی دیگر شرکت گازپروم با ایران نیز برای مشارکت در میدان پارس جنوبی و همچنین فرزاد ۲، مذاکراتی را انجام داده که بتواند در پروژه خط لوله صلح میان ایران، پاکستان و هند، نقش‌آفرینی کند. از سوی دیگر، توسعه روابط انرژی با کشورهای این منطقه می‌تواند آسیب‌پذیری‌های روسیه را در برابر تحریم‌های آمریکا کمتر کند. لذا مشاهده می‌شود که به دلیل اهمیت این منطقه در بازار نفت، مسکو کوشید تا با انعقاد قراردادهای متعدد، راه‌های جایگزینی را برای تأمین مالی پروژه‌های خویش بیابد (Henderson, 2017, p. 1). به منظور درک بهتر و دقیق‌تر نقش دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی روسیه در قبال کشورهای این منطقه، هریک را به‌طور جداگانه مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۴. دیپلماسی انرژی روسیه در خاورمیانه

به‌منظور تحلیل تأثیرگذاری دیپلماسی انرژی روسیه بر موازنه قوای منطقه‌ای در خاورمیانه به بررسی رویکرد این کشور در قبال قدرت‌های اصلی در این منطقه پرداخته می‌شود.

۴-۱. عربستان سعودی

به‌نظر می‌رسد عربستان سعودی به دلیل نقشی که در اوپک از یک‌سو و همچنین تعامل حسنه با ایالات‌متحده دارد، مهم‌ترین کشور در دیپلماسی انرژی روسیه در منطقه خاورمیانه به‌شمار می‌آید. این کشور در عین اینکه از جمله مهم‌ترین تولیدکنندگان نفت جهان است، به‌عنوان یکی از کنشگران تأثیرگذار در موازنه قوای خاورمیانه شناخته می‌شود. به قدرت رسیدن «ملک سلمان»، روابط دو کشور را وارد عرصه نوینی کرد.

در این دوره پس از سفر ملک سلمان به روسیه، دو طرف موافقت‌نامه همکاری بلندمدت برای توسعه بخش پتروشیمی و فناوری در عربستان سعودی

امضا کردند. به موجب این قرارداد ۳ میلیارد دلاری، روسیه علاوه بر تأسیس یک پالایشگاه پتروشیمی به ارزش ۱,۱ میلیارد دلار و راه‌اندازی صندوق مشترک سرمایه‌گذاری برای توسعه بخش انرژی و فناوری میان دو کشور، آرامکو و گازپروم نیز برای به اشتراک‌گذاری فناوری‌های حفاری با یکدیگر به توافق رسیدند. پوتین در دیدارهای خود با مقامات سعودی به آنها پیشنهاد کرده تا با خرید گاز از روسیه، نفت خود را ذخیره کنند.^۱

با این حال پس از اعمال تحریم‌های گسترده اقتصادی غرب علیه روسیه، عربستان سعودی در حمایت از ایالات متحده آمریکا سیاست افزایش عرضه نفت با هدف ضربه زدن به ایران و روسیه را دنبال کرد. این اقدام سبب شد تا خصومت میان دو کشور علاوه بر چالش‌های امنیتی خاورمیانه به تنش در بازار جهانی انرژی نیز کشیده شود. دیپلماسی انرژی روسیه در قبال عربستان نیز کاملاً عمل‌گرایانه بوده است. گمانه‌زنی‌ها حاکی از این واقعیت بوده که موافقت عربستان با روسیه به منظور افزایش قیمت نفت، با دادن برخی امتیازها در بحران سوریه همراه بوده است. در واقع عربستان سعودی تلاش کرده تا با دادن برخی مشوق‌های اقتصادی، مواضع روسیه را در بحران سوریه تحت تأثیر قرار بدهد (داییز و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۷).

درحالی‌که عربستان سعودی در شرایط تحریم‌های روسیه و ایران، با تبانی آمریکا قیمت‌های جهانی نفت را کاهش داد، در نهایت این سیاست به ضرر ریاض تمام شد. درحالی‌که انرژی حدود نیمی از درآمد روسیه و ۱۸ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور است، در عربستان، ۸۰ درصد از بودجه از ناحیه درآمدهای نفتی ایجاد شده و ۴۵ درصد تولید ناخالص داخلی آن کشور نیز متکی بر این بخش است. آنچه توانست دیپلماسی انرژی روسیه را در برابر عربستان پیروز کند، نظام شناور ارز این کشور در برابر نظام ثابت ارز در عربستان بود. شناور بودن ارزش روبل نسبت به دلار سبب شد تا مسکو گزینه‌های زیادی در برابر ریاض داشته باشد و در نهایت این عربستان بود که زیان‌های قابل‌توجهی از

1. <https://www.mci.edu/publications/how-sustainable-russian-saudi-energy-cooperation>

کاهش قیمت نفت متحمل شد و به کاهش تولید نفت در اوپک رأی داد (ربیعی پورسلیمی و دیگران، ۱۳۹۵، صص. ۲۶-۲۸).

در چنین شرایطی بود که روسیه با رویکردی راهبردی و در عین حال فرصت‌جویانه، مذاکرات خود را برای افزایش قیمت جهانی نفت با ریاض و همسو نشان دادن خود با این کشور در عرصه انرژی را به پیش گرفت. درحالی‌که مواضع دو کشور در بحران سوریه، مواضع ایران و یا بحران یمن، با یکدیگر متفاوت است، روسیه در گام نخست، ثبات قیمت نفت و در گام دوم افزایش قیمت نفت را با همکاری کشورهای بزرگ تولیدکننده مانند عربستان سعودی، پی می‌جوید و لذا شاهد بودیم که در سال ۲۰۱۶، دو کشور، توافق‌نامه کاهش تولید نفت را امضا کردند (Sladden et al., 2017, pp. 5-9). همکاری روسیه با عربستان در بازگرداندن تعادل به بازار نفت براساس توافق نوامبر ۲۰۱۶ در کنار افزایش مداوم توان تولید و صادرات این کشور، باعث افزایش قدرت روسیه در بازار جهانی نفت شده‌است.

درواقع روسیه تلاش کرد تا از اهرم شیل برای تعدیل روابط عربستان سعودی و آمریکا در بازار نفت استفاده کند. درحالی‌که علی‌رغم تلاش‌های عربستان سعودی، مسکو حاضر به عضویت در اوپک نبود، تشکیل اوپک پلاس نقش مهمی در کنترل قیمت جهانی نفت داشت. درواقع می‌توان دو عامل تحریم‌های غرب بر ضد روسیه و همچنین انقلاب شیل و روی کار آمدن «دونالد ترامپ» در آمریکا که منجر به اتخاذ راهبرد سهم بازار از سوی واشنگتن شد، منجر به تلاش روسیه برای راه‌اندازی جنگ قیمت شد.

مسکو حاضر به پذیرش نقش بیشتر آمریکا در این منطقه نیست و با توجه به اینکه این کشور در مقایسه با عربستان سعودی از ذخایر ارزی بالاتری برخوردار بوده و بودجه خود را با قیمت پایین‌تری نسبت به عربستان تنظیم کرده، لذا به نظر می‌رسد سیاست جنگ قیمت این کشور تا به اندازه‌ای که بتواند تولید شیل را در بازار غیر اقتصادی کند، ادامه خواهد یافت (اسعدی، ۱۳۹۸، ص. ۴).

روابط دو کشور در سال ۲۰۲۰ باردیگر روی به وخامت گذاشت. درحالی‌که

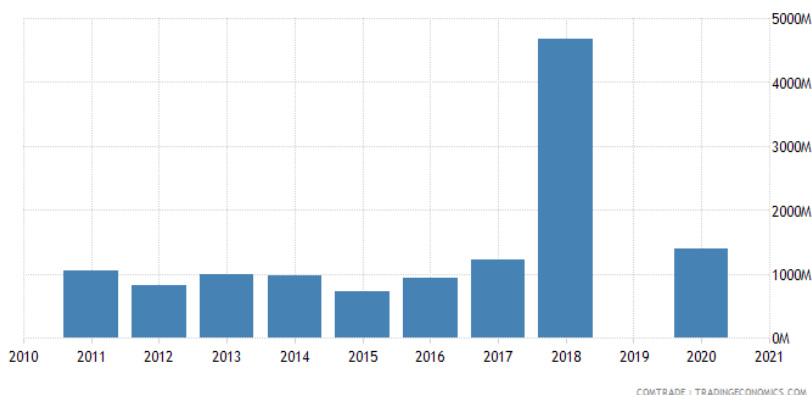
به دلیل شیوع کرونا، مصرف نفت کاهش یافت، عربستان سعودی تلاش کرد تا روسیه را وادار به کاهش تولید کند که این مهم با مخالفت مسکو مواجه شد. لذا عربستان باردیگر با افزایش تولید نفت، سیاست جنگ قیمت را با روسیه به راه انداخت که در نهایت با فشار آمریکا و مذاکره ترامپ، دو طرف متقاعد به کاهش تولید شدند که از نظر تحلیل‌گران چندان پایدار نخواهد بود (Gafarlı, 2020, pp. 8-12). این مهم به‌خوبی نشان می‌دهد که دیپلماسی انرژی روسیه در قبال عربستان به‌شدت بر مسئله قیمت جهانی نفت تکیه دارد. برخی از تحلیل‌گران این رفتار روسیه را ناشی از تلاش این کشور برای حفظ سلطه و نفوذ در بازار نفت و همچنین موازنه در برابر آمریکا قلمداد می‌کنند.

۴-۲. اسرائیل

با روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۰۰ و اتخاذ موازنه‌گرایی در سیاست خارجی، سیاست خارجی روسیه در قبال اسرائیل دچار تحول و چرخش قابل‌توجهی شد (شعریاف و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۴). دیپلماسی انرژی روسیه در قبال اسرائیل نیز همسو با منافع و اهداف سیاست خارجی مسکو در ایجاد موازنه منطقه‌ای است. روابط دو دولت دارای پیوندهای پرشماری است که سبب می‌شود موازنه قدرت منطقه‌ای به عنصری محوری در روابط فی‌مابین تبدیل شود. از زمان تشکیل اسرائیل در دهه ۱۹۴۰، روابط دوجانبه روسی - صهیونیستی همواره پیچیده و دارای وجوه مختلفی بوده‌است. علی‌رغم اینکه اتحاد جماهیر شوروی نقش پررنگی در تشکیل این رژیم داشت، روابط خیلی زود به واگرایی انجامید و تا دهه ۱۹۹۰ رو به بهبودی نرفت. با روی کار آمدن «یلتسین» به قدرت، روسیه و اسرائیل از روابط رو به رشدی در حوزه‌های مختلفی از جمله اقتصاد، فرهنگ، فناوری، محیط‌زیست و انرژی برخوردار بوده‌اند (Bailey, 2014, p. 33).

دیپلماسی انرژی روسیه در قبال اسرائیل تابعی از مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی و امنیتی است. هر دو روابط محدود و متشنجی با ترکیه دارند. در واقع هر دو کشور از گسترش حوزه ژئوپلیتیکی ترکیه ناخوشنود هستند. در همین زمینه درحالی‌که اسرائیل یکی از واردکنندگان عمده انرژی از روسیه بوده و تا سال‌ها

بخش عمده نفت و گاز خود را از مسکو دریافت کرده، در سال‌های اخیر کوشیده تا وارد فضای متنوع سازی منابع وارداتی شود و به‌ویژه بتواند انرژی موردنیاز خود را از پروژه باکو - جیحان تأمین کند (Razoux, 2008, p. 4). در همین زمینه، روسیه توانست به‌سرعت خود را جایگزین اقلیم کردستان عراق در صادرات نفت به اسرائیل در سال ۲۰۲۰ کند. به‌گونه‌ای که در ۹ ماه ابتدایی سال گذشته میلادی، روسیه تبدیل به بزرگ‌ترین صادرکننده نفت اسرائیل شد. در این سال صادرات نفت روسیه به اسرائیل با رشد ۴۲ درصدی همراه شد که ناشی از افت صادرات اقلیم کردستان عراق به اسرائیل بود.^۱ این در حالی است که روسیه در سال ۲۰۱۸ نیز بالغ بر ۳,۳۳ میلیارد دلار صادرات نفت، سوخت و فرآورده‌های نفتی به اسرائیل داشته است.^۲ در نمودار ذیل، آمار کل صادرات روسیه به اسرائیل و از آن جمله نفت نمایش داده شده‌است.



نمودار شماره ۱: آمار صادرات نفتی و غیرنفتی روسیه به اسرائیل

Source: (trading economics)

روسیه با علم به این که تل‌آویو داری مخاطرات جدی از حیث امنیت انرژی است، علاوه بر اینکه سعی می‌کند تا در پروژه‌های انرژی این رژیم نقش‌آفرینی فعالی داشته باشد در تلاش است تا خطوط لوله انرژی خود را از منطقه قفقاز و آسیای

1. <https://www.mees.com/2020/10/23/geopolitical-risk/russia-overtakes-krasnodar-as-israels-top-crude-supplier-for-2020/4c4879f0-153d-11eb-949e-77c1e87b0ff0>

2. <https://tradingeconomics.com/israel/imports/russia>.

مرکزی به شرق مدیترانه برسانند. پروژه «بلو استریم دو» که با مخالفت ترکیه به سرانجام نرسید، در واقع این هدف را دنبال می‌کرد. علت این مخالفت را می‌توان در مثلث روابط ترکیه، اسرائیل و روسیه بررسی کرد. ترکیه خود را به‌عنوان الگویی سکولار، دموکراتیک و مبتنی بر اقتصاد آزاد مطرح می‌کند و کشورهای آمریکا و اسرائیل نیز برای جلوگیری از بنیادگرایی اسلامی از این کشور حمایت می‌کنند. لذا روسیه تلاش خواهد کرد تا با ایجاد وابستگی هرچه بیشتر تل‌آویو به خود، مانع از ارتقای جایگاه ترکیه در سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا و اسرائیل شود (نیاکوئی و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۵۲).

انگیزه دیگری که روسیه در دیپلماسی انرژی خویش در قبال اسرائیل پی می‌گیرد، در مناسبات خویش با آمریکا نهفته است. تل‌آویو از سکوت روسیه در قبال اشغال «بلندی‌های جولان» حتی با حضور «اسد» در قدرت، منافع فراوانی برده. از سوی دیگر روس‌ها در صدد تضعیف آمریکا در منطقه هستند که این موضوع به‌وضوح در سیاست‌های منطقه‌ای روسیه در قبال اسرائیل و تلاش برای ایفای هرچه فعال در موضوعات مربوط به این رژیم قابل مشاهده است. با وجود اینکه پس از سال‌ها، اسرائیل با اکتشاف دو میدان بزرگ «لویاتان» و «تامار» توانست خودکفایی نسبی خود را عرصه انرژی تأمین کند که سبب می‌شود تا برخی دگرگونی‌ها در معادلات انرژی و همچنین سیاست‌های این رژیم ایجاد شود، روسیه به صادرات خود به این رژیم ادامه می‌دهد و شرکت گازپروم به دلیل تجربه بالایی که داشته از سوی تل‌آویو برای توسعه صنعت گاز این کشور دعوت شده و هم‌اکنون این شرکت حق انحصاری صادرات گاز اسرائیل از میدان تامار را در اختیار دارد (Kozhinov, 2012, p. 2). دیپلماسی انرژی روسیه از این حیث کارکردی موازنه‌بخش در سیاست خارجی روسیه در قبال تل‌آویو دارد.

درواقع با اهمیت یافتن منابع انرژی شرق مدیترانه، شرکت‌های روسی تلاش وافری برای نفوذ به این بازار در پیش گرفته‌اند. علاوه بر حضور شرکت گازپروم در صنعت انرژی اسرائیل، دو طرف در مورد انعقاد قراردادهای بلندمدت صادرات گاز از روسیه به اسرائیل نیز مذاکراتی داشته‌اند که خود را در پروژه بلو استریم

نشان داده‌است. علاوه بر میدان نفتی تامار، میدان گازی لویاتان نیز به عرصه مهم دیگری برای همکاری میان اسرائیل و روسیه تبدیل شد. به محض تلاش اسرائیل برای توسعه صنعت گاز طبیعی خویش، احتیاج به همکاری با شرکتی که در زمینه تولید و صادرات گاز طبیعی و در عین حال اجرای پروژه‌های «ال ان جی» دارای تجربه باشد، بسیار ضروری به نظر رسید. در نتیجه در دسامبر ۲۰۱۲ اسرائیل تصمیم گرفت تا پای یک شرکت بزرگ گازی را در این میدان باز کند که این شرکت، جز گازپروم نبود. در اواخر همین سال در نتیجه چندین دور مذاکره، گازپروم با تأسیس یک شرکت مشترک که ۳۰ درصد سهام آن را شرکت «وودساید پترولیوم» استرالیا در اختیار دارد، خود را به عنوان صادرکننده گاز اسرائیل به خاور دور و خاورمیانه مطرح کرد (Nurieva, 2017, pp. 113-117). البته در نهایت تلاش‌های روسیه برای ورود به بازار گاز اسرائیل به نتیجه مشخصی دست نیافت. در مقابل، مسکو برای اینکه بتواند نفوذ خود را در منطقه خاورمیانه تحکیم کرده و در عین حال مقامات اسرائیل را نسبت به همکاری با خود بیش‌ازپیش ترغیب کند، وارد همکاری با مصر در میدان گازی «زهر» شد که رقیب اصلی میدان لویاتان اسرائیل به‌شمار می‌رود (Krasna, 2018, p. 15). مسکو از روابط نزدیک خود با مصر استفاده کرد تا بتواند همچنان در این منطقه نقش‌آفرینی کند و مصر را که احتمالاً به دروازه صادرات انرژی اسرائیل تبدیل خواهد شد، به خود وابسته سازد.

۳-۴. جمهوری اسلامی ایران

برای مسکو آنچه سبب شده تا روابط دوجانبه با تهران مهم باشد، ناشی از این مسئله است که دیپلماسی روسی در قبال تهران سرشار از تمایلی است که این کشور برای استفاده ابزاری از روابط خود با تهران به‌منظور تأثیر گذاشتن بر زمین بازی ژئوپلیتیک و ایجاد موازنه قوا در منطقه خاورمیانه است.

به نظر می‌رسد در دوره کنونی و تحت تأثیر انقلاب شیل و رشد روزافزون سهم آمریکا در بازار جهانی نفت، روابط ایران و روسیه در بازار نفت دستخوش دگرگونی شود. اگرچه در گذشته شاهد نگرانی روسیه نسبت به لغو تحریم‌های نفتی ایران و افزایش صادرات ایران بوده‌ایم، شیل سبب شده تا مسکو از افزایش

صادرات ایران نه تنها هراسناک نباشد، بلکه آن را به دلیل اثرگذاری بر قیمت جهانی نفت به نفع خود تلقی کند. در گام دوم باید دانست از جمله اهداف روسیه از همکاری با ایران، اثرگذاری بر اوپک است. مسکو تلاش می‌کند تا با برقراری روابط نزدیک با ایران در بازار انرژی، بر سیاست‌های اوپک اثر گذاشته و با بسط منافع انرژی خود بیشترین نفع را در رابطه با اروپا و دیگر شرکای شرقی خود از جمله چین، ژاپن و هندوستان ببرد.

مسکو روابط بسیار نزدیکی با هند و پاکستان دارد و لذا از ابزار ایران برای ممانعت از به هم خوردن موازنه قدرت در این منطقه استفاده می‌کند. همچنین، حفظ اهرم فشار ایران بر عربستان سعودی و گرفتن امتیاز هرچه بیشتر از این کشور در مذاکرات سیاسی، امنیتی و اقتصادی از سوی کرملین دنبال می‌شود. لذا بلافاصله پس از رفع تحریم‌های هسته‌ای، مسکو حضور فعالی در پروژه‌های نفت و گاز ایران داشت. البته علی‌رغم حضور روس‌ها در این ۱۹ تفاهم‌نامه، تاکنون تنها یک قرارداد نه‌چندان مهم با شرکت «زابروژنفت» روسیه نهایی و امضا شده‌است. در جدول ۱ فهرست این توافقات نمایش داده شده‌است:

جدول ۱. فهرست تفاهم‌نامه‌های همکاری ایران و روسیه در صنعت انرژی

شماره	نام شرکت	نام میدان
۱	گازپروم	آزادگان
۲	گازپروم	فرزاد
۳	گازپروم	چنگوله
۴	زاروژنفت	پایدار غرب
۵	گازپروم	کیش
۶	گازپروم	چشمه خوش
۷	زاروژنفت	آبان
۸	گازپروم	آذر
۹	گازپروم - تات نفت	دهلران
۱۰	لوک اویل	آب تیمور و منصوری
۱۱	گازپروم	گلشن و فردوسی
۱۲	زاروژنفت و تات نفت	شادگان

منبع: (اقتصاد آنلاین)

این در حالی است که به نظر می‌رسد از جمله مهم‌ترین عوامل عدم فعال شدن

ظرفیت همکاری دو طرف، تحریم‌های گسترده آمریکا پس از خروج از برجام و درعین حال ضعف دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران بوده‌است. این در حالی است که در سال گذشته، مسئولان وزارت نفت بار دیگر سخن از اراده جدی روسیه برای سرمایه‌گذاری در بازار انرژی ایران خبر دادند. مسئولان وزارت نفت معتقدند مسکو می‌تواند ایران را در پروژه‌های ازدیاد برداشت یاری کند و در عین حال ایران نیز می‌تواند پروژه تأمین خوراک پالایشگاه‌های کوچک روسیه را به دست بگیرد.^۱

نباید دور از نظر داشت که دیپلماسی انرژی روسیه در قبال ایران تابع رفتار یک بام و دو هوای روسیه قرار خواهد گرفت. نگرانی‌های روس‌ها از حضور ایران در بازار انرژی اروپا که با لغو تحریم‌ها در فضای پس‌برجام و دیدار رؤسای جمهور کرواسی و اوکراین نیز شدت یافته‌است، بیشتر ناشی از دو سوءبرداشت است: اول سوءبرداشت نسبت به تغییرات ماهوی در روابط ایران و غرب و دوم سوءبرداشت نسبت به اهداف ایران در مورد حضور در بازار انرژی اروپا. به‌نظر می‌رسد منظور مقام‌های ایرانی در مورد همکاری با کشورهایمانند اوکراین و کرواسی در زمینه انرژی بیش از گاز معطوف به نفت باشد (شوری، ۱۳۹۵، ص. ۳). علاوه بر سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز، مسکو مایل است تا از رویکرد ایران برای کنترل بازار گاز نیز استفاده کند. اوپک گازی فرصتی را برای روسیه فراهم کرده تا بیش از پیش نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در میان کشورهای صادرکننده گاز بگستراند. براساس آمارهای ذیل، روسیه در شاخص‌های گوناگون دست بالاتری را در این سازمان داشته و از این حیث تأثیرگذارترین کشور در این سازمان است. (تکلیف، ۱۳۹۲، ص. ۶۱).

جدول ۲. رتبه‌بندی کشورهای عضو مجمع به لحاظ اثرگذاری بر بازار

اثرگذاری بلندمدت			اثرگذاری کوتاه‌مدت و میان‌مدت		
رتبه	کشور	گروه	رتبه	کشور	گروه
۱	روسیه	قوی	۱	روسیه	قوی
۲	قطر		۲	قطر	
۳	ایران		۳	الجزایر	
۴	امارات	متوسط	۴	نیجریه	متوسط
۵	ونزوئلا		۵	ترینیداد و توباگو	
۶	نیجریه		۶	بولیوی	
۷	الجزایر		۷	عمان	
۸	مصر		۸	مصر	
۹	لیبی		۹	ایران	
۱۰	عمان	ضعیف	۱۰	گینه	ضعیف
۱۱	بولیوی		۱۱	امارات	
۱۲	ترینیداد و توباگو		۱۲	لیبی	
۱۳	گینه		۱۳	ونزوئلا	

منبع: (تکلیف، ۱۳۹۲، ص. ۶۲)

با این حال مسکو در این سازمان نیز رفتاری کاملاً موازنه‌گرایانه را دنبال می‌کند. تلاش برای تقسیم‌بندی بازارهای مصرف‌کننده عمده گاز دنیا، دریافت اطلاعات و تعدیل حجم گاز صادراتی کشورهای عضو مجمع، تنظیم زمان‌بندی طرح‌های صادراتی و هماهنگ‌سازی برنامه‌های سرمایه‌گذاری در میداین جدید و بهره‌برداری از میداین گاز و شبکه خطوط انتقال از جمله مهم‌ترین اهداف دیپلماسی انرژی روسیه است که از طریق مجمع کشورهای صادرکننده گاز دنبال می‌کند (شهابی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۲). در واقع از این طریق درصد محدودسازی و کنترل نقش بازیگرانی همچون ایران در بازار منطقه‌ای گاز است.

۴-۴. ترکیه

با روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۰۰ در روسیه و حزب عدالت و توسعه در ترکیه روابط دو کشور مسیر ترقی‌جویانه را طی کرد. به‌نوعی می‌توان گفت انگیزه‌های اقتصادی سبب شده تا تنش‌های جغرافیایی طولانی مدت میان دو کشور

جای خود را به شراکتی ژئواکونومیک بدهد.

در این زمینه تغییر گفتمان‌های سیاست خارجی دو کشور نقش کلیدی در توسعه روابط میان مسکو - آنکارا ایفا کرد. چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه از یک سو و در اولویت قرار گرفتن موضوع اقتصاد در سیاست خارجی روسیه به نزدیکی هرچه بیشتر دو کشور کمک ویژه‌ای کرد. دولت اردوغان با عنوان اینکه دولتش همکاری دوستانه را جایگزین رقابت با روسیه کرده، این کشور را از حیث اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری، گردشگری و امنیت انرژی مهم قلمداد کرد (Özbay, 2011, p. 69-71) در میان عوامل تأثیرگذار در روابط میان ترکیه و روسیه، انرژی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. روسیه تأمین‌کننده دو سوم گاز موردنیاز ترکیه است و انرژی، ۷۶ درصد از صادرات مسکو به آنکارا است.

ترکیه به چند دلیل نقش بسیار مهمی در دیپلماسی انرژی روسیه دارد. نخست آنکه روسیه، ترکیه را دهلیز انتقال انرژی خود به بازارهای اروپا، خاورمیانه و شمال آفریقا می‌نگرد و نسبت به گسترش خط لوله موجود بین دو کشور علاقه نشان می‌دهد. تحقق این هدف به روس‌ها اجازه می‌دهد بی‌آنکه به گذر از تنگه بسفر نیاز داشته باشد، انرژی خود را به فراسوی مدیترانه عرضه کند (اطهری و دیگران، ۱۳۹۱، صص. ۱۲-۱۳).

از سوی دیگر موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه سبب شده تا این کشور بتواند به‌عنوان تهدیدی برای انحصار صادرات گاز روسیه به اروپا مطرح باشد. از این‌رو هدف دیگری که دیپلماسی انرژی روسیه در مورد ترکیه، پیگیری می‌کند، محدود ساختن آنکارا در چهارچوب کریدور انرژی است. با توجه به اینکه آنکارا، تلاش می‌کند تا به یک قطب انرژی در منطقه تبدیل شده و صرفاً مسیری برای انتقال انرژی نباشد، می‌توان انتظار داشت که مسکو سعی در تقلیل نقش و موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه به یک کریدور ترانزیتی صرف دارد. در این زمینه مخالفت جدی با پروژه‌هایی همچون باکو - جیحان، باکو - ارزروم نشان‌دهنده تلاش این کشور برای مسدودسازی مسیرهای جایگزین روسیه به اروپا است (گل‌محمدی، ۱۳۹۴، ص. ۵).

روسیه در دیپلماسی انرژی خویش تلاش می‌کند تا با شریک کردن ترکیه در صادرات انرژی، آنکارا را نسبت به ایفای نقشی موازی برای سایر خطوط لوله در این منطقه بی‌نیاز کند. به عبارت دیگر، موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه نوعی اهرم در برابر روسیه است که این کشور را به حفظ روابط اقتصادی خویش با آنکارا وابسته کرده‌است. روسیه می‌تواند مسیرهای خط لوله خود را از سایر مناطق عبور دهد، اما با دخیل کردن ترکیه در پروژه‌های انرژی خویش، تلاش می‌کند تا این کشور را در چهارچوب دیپلماسی انرژی خویش حفظ کرده و مانع از برهم خوردن موازنه قوای منطقه‌ای در خاورمیانه شود. در حال حاضر سه خط لوله جریان ترکی، جنوبی و جریان آبی، گاز صادراتی روسیه از خاک ترکیه به اروپا صادر می‌کنند.

ترکیه نه تنها در دیپلماسی انرژی روسیه در قبال اروپا دارای اهمیت است، بلکه مسکو می‌کوشد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالایی ژئوپلیتیک این کشور، صادرات گاز خود را به‌طور مستقیم به کشورهای واقع در خاورمیانه نیز برساند. در حال حاضر هر دو طرف در مورد گسترش ظرفیت پروژه جریان آبی با هدف انتقال گاز روسیه به بازارهای شرق مدیترانه، شمال لبنان، قبرس، سوریه و اسرائیل را مورد توجه قرار داده‌اند که البته به دلیل تحولاتی که در روابط ترکیه - اسرائیل و قبرس روی داده، این پروژه همچنان متوقف شده‌است (Yalinkiliçli, 2012, p. 3). به دلیل اهمیت بالایی که ژئوپلیتیک ترکیه برای روسیه دارد، پس از عدم موافقت ترکیه برای ساخت خط لوله آبی ۲، مسکو پیشنهاد تأسیس خط لوله جریان جنوبی را به این کشور ارائه کرد که گاز روسیه را در داخل مرزهای دریایی ترکیه به بلغارستان و سپس به اتریش انتقال می‌کند. این در حالی است که با توجه به وجود خط لوله کریدور جنوبی که از آذربایجان به ترکیه و سپس به اروپا صادر می‌شود، این پرسش به‌طور جدی مطرح است که خط لوله جریان جنوبی روسیه تا چه اندازه می‌تواند مفید واقع شود (Bourgeot, 2013, p. 16).

این در حالی است که احداث خط لوله از زیردریا، بسیار پرهزینه‌تر از خشکی است. با این حال هدف اصلی و راهبردی روسیه، کم‌اثر کردن نقش و مقابله با خطوط لوله‌ای است که از خاک ترکیه به اروپا صادر می‌شود. همان‌طور

که در نقشه ملاحظه می‌شود، تمامی این سه خط لوله از مرز دریایی عبور کرده و سپس به اروپا صادر می‌شود. روش متنوع سازی مسیرهای انرژی در اینجا به خوبی خود را نشان می‌دهد. کرملین کوشیده تا در مقابل هریک از خطوط لوله مانند ناباکو، باکو - جیحان و یا کریدور جنوبی، معادلی در ترکیه ایجاد کند که ضمن ایجاد درآمد برای ترکیه و وابسته ساختن این کشور به همکاری با روسیه، کشورهای اروپایی را نسبت به تضمین امنیت انرژی خویش مطمئن سازد.

روسیه همچنین موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه را فرصت مناسبی برای کاهش هزینه‌های کشتیرانی برای انتقال انرژی خویش می‌داند. جالب آنجا است که نزدیک به دو سوم از کشتی‌های عبوری از دریای سیاه، متعلق به مسکو هستند و این موضوع سبب شده تا روسیه درصدد احداث خط لوله ترانس بالکان برای کاستن از هزینه‌های کشتیرانی باشد؛ اما با عدم موافقت بلغارستان برای پیوستن به این پروژه، هم‌اکنون خط لوله ساموسان - جیحان در دستور کار دیپلماسی انرژی دو کشور قرار گرفته است. این پروژه که ترکیه، ایتالیا و روسیه را شامل می‌شود، سالیانه ۶۰ الی ۷۰ میلیون بشکه نفت خام روسیه را از شهر ساحلی ساموسان به جیحان در شرق مدیترانه می‌رساند. درحالی‌که مسکو با احداث این خطوط لوله تلاش می‌کند تا امنیت انرژی را ارتقا بخشد، هم‌زمان کمک می‌کند تا ترکیه نیز تبدیل به هاب انرژی منطقه شود. ترکیه با تلاش برای جلب موافقت روسیه برای احداث این خط لوله، در پی رسیدن به اهداف راهبردی است. در گام نخست، احداث این خط لوله باعث می‌شود که عبور و مرور تانکرهای نفتی که درآمدهای پیامدهای زیست‌محیطی خطرناکی برای این کشور است، کم شود و در گام دوم نیز هدف ترکیه این است که روستای جیحان را تبدیل به یک مرکز توریستی و تفریحی کرده و از وضعیت کنونی خارج سازد (Yalinkiliçli, 2012, p. 3).

در عین حال نباید دور از نظر داشت که مسکو از عوامل ژئوپلیتیکی نیز به خوبی در دیپلماسی انرژی خویش استفاده می‌کند. مسکو از روابط نزدیک و دیرینه خود با کردهای این منطقه برای فشار بر ترکیه استفاده می‌کند. در همین زمینه، نقش‌آفرینی مسکو در پروژه‌های اقلیم کردستان عراق نیز با همین هدف

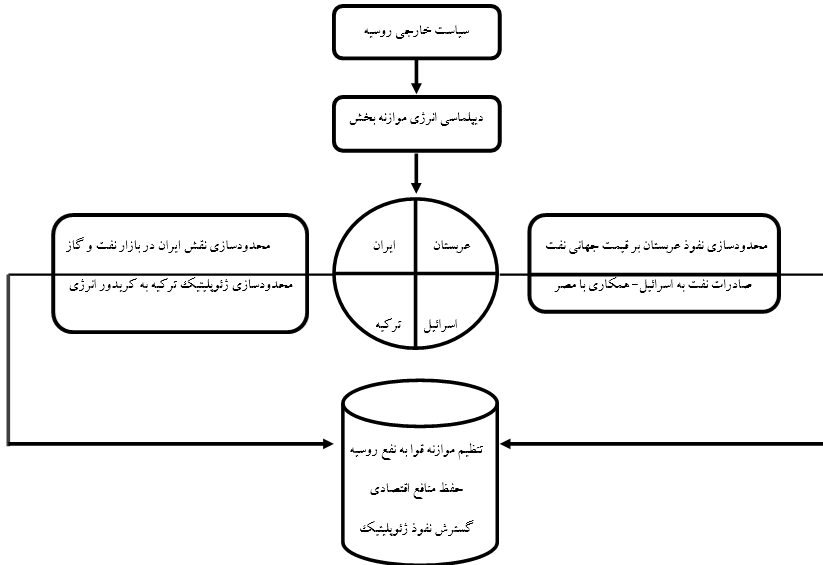
انجام می‌شود. دیپلماسی انرژی مسکو در اینجا به‌خوبی نشان می‌دهد که باوجود همکاری این کشور با عراق به‌منظور مقابله با داعش، چند روز پس از اینکه بغداد تهدید به تغییر مسیر جریان نفت و دور زدن اقلیم کردستان عراق کرد، مسکو وارد عمل شده و با این اقلیم، موافقت‌نامه همکاری امضا کرده‌است. روس نفت در حالی به‌منظور گسترش خط لوله مستقل اربیل به سرمایه‌گذاری می‌پردازد که بغداد نیز درصدد گسترش ظرفیت‌هایش بوده‌است. درواقع مسکو با این اقدام، اقلیم کردستان عراق را برای تشکیل دولتی مستقل و جدای از عراق یاری کرده‌است. سهم ۶۰ درصدی روس نفت از این پروژه، سبب می‌شود تا این شرکت به سهام‌دار اصلی خط لوله اربیل تبدیل شده و فشارها علیه اقلیم کردستان را کاهش دهد. پیش از این نیز، روسیه با اعطای وام ۲/۱ میلیارد دلاری به این منطقه و فروش تضمینی نفت به این منطقه، بیش از پیش جای پای خود را در سیاست‌های انرژی این منطقه باز می‌کند.^۱ درواقع انرژی به‌عنوان یک منبع قدرت نرم توانسته اهرم بسیار کردی را در برابر ترکیه حفظ کند و همین عامل مسکو را در موضع برتری در مقابل ترکیه قرار دهد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که مسکو نگران موازنه قوا در خاورمیانه بوده و برتری یک قدرت مشخص را به ضرر منافع منطقه‌ای خویش در خاورمیانه می‌داند. روسیه در جعبه‌ابزار سیاست خارجی خویش، تکیه قابل‌توجهی بر ابزار دیپلماسی انرژی داشته و می‌کوشد تا موازنه قوای منطقه‌ای در خاورمیانه را به نفع خویش حفظ کند. از تعامل با عربستان سعودی در چهارچوب اوپک پلاس برای تأثیرگذاری بر قیمت نفت، محدودسازی نقش ترکیه به‌عنوان یک کریدور انرژی و همچنین همکاری با کردها تا تلاش برای حضور در صنعت انرژی اسرائیل و همچنین انعقاد قرارداد به‌طور هم‌زمان با مصر، نشان‌دهنده رهیافت موازنه‌بخش دیپلماسی انرژی روسیه در این منطقه است. در نمودار ذیل این مهم به‌خوبی نشان

1. (<https://www.cnbc.com/2017/10/19/russias-rosneft-to-take-control-of-major-kurdish-oil-pipeline.html>)

داده شده است:



مدل ۲. دیپلماسی انرژی و موازنه منطقه‌ای روسیه در خاورمیانه

همان‌طور که در این نمودار قابل مشاهده است با توجه به اینکه میان این قدرت‌های چهارگانه همواره سطحی از رقابت وجود داشته، همکاری هم‌زمان روسیه در معادلات انرژی آنها می‌تواند به توسعه نفوذ سیاسی این کشور کمک کند. مدل دیپلماسی انرژی در چهارچوب موازنه منطقه‌ای روسیه در خاورمیانه نشان می‌دهد که چگونه روسیه توانسته هر یک از چهار قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه را با ابزار انرژی محدود کند. این در حالی است که کمتر قدرت فرامنطقه‌ای وجود دارد که بتواند هم‌زمان با هر چهار قدرت عمده منطقه‌ای خاورمیانه سطحی از روابط را در بخش انرژی پایه‌ریزی کند. لذا این ویژگی منحصر به فرد روسیه به این کشور کمک کرده تا رهیافت دیپلماسی انرژی خود را در خاورمیانه به خوبی پیاده کرده و به میزان نسبتاً موفقی، موازنه قوای منطقه‌ای در خاورمیانه را به نفع خویش حفظ کند.

منابع

- اسعدی، فریدون (۱۳۹۸). تحلیل راهبردی فروپاشی توافق کاهش عرضه اوپک پلاس: اثرات آن بر بازار جهانی نفت و منافع انرژی جمهوری اسلامی ایران. گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۶۹۵۰.
<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1463437>.
- اطهری، سید اسداله و بهمن، شعیب (۱۳۹۰). روسیه و خاورمیانه جدید، راهبردها و چالش‌ها. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل. ۴ (۱۷).
http://www.iaujournals.ir/article_663462_427102fcee42b53820b242c5f40b5900.pdf.
- اطهری، سید اسداله، بهمن، شعیب و علی‌پور، محمدرضا (۱۳۹۱). نقش انرژی در توسعه روابط روسیه و ترکیه. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۵ (۱۱).
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=181482>.
- تکلیف، عاطفه (۱۳۹۲). ساختار مجمع کشورهای صادرکننده گاز: عدم تجانس اعضا و معیارهای رتبه‌بندی آنها در اثرگذاری بر بازار گاز. فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، ۲ (۸).
https://jiec.atu.ac.ir/article_699.html
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و ذوالفقاری، عباس (۱۳۹۶). فرهنگ راهبردی و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه، روابط خارجی. ۹ (۲).
http://frqjournal.csr.ir/article_125811.html?lang=fa.
- داینز، جیمز و زویاگلسکایا، ایرینا (۱۳۹۶). نقشه راه روابط روسیه و آمریکا در خاورمیانه. (موسسه ایراس، ترجمه).
<http://www.iras.ir/fa/doc/article/3326>.
- دیلمی معزی، امین (۱۳۹۱). سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه در دوره پوتین. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۴ (۱۶).
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=224786>.
- ربیعی پورسلیمی، حجت و شیرزادی، رضا (۱۳۹۵). تحولات روابط ایران و عربستان و تأثیر آن بر بازار نفت. ماهنامه اکتشاف و تولید، ۲ (۱۴۱).
https://ekteshaf.nioc.ir/browse.php?mag_id=111&slc_lang=fa&sid=1.
- سهرابی، محمد (۱۳۹۳). سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه، پژوهشنامه روابط

بین‌المللی، ۷(۲۵).

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=224278>.

سند تدبیر سیاست خارجی روسیه ۲۰۱۶ (۱۳۹۵). (موسسه ایراس، ترجمه).

<http://iras.ir/images/docs/files/000002/nf00002479-1.pdf>.

شهابی، سهراب، بخشی، جواد و رفسنجانی‌نژاد، سیما (۱۳۹۲). دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و مجمع کشورهای صادرکننده گاز. *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، (۸۱).

http://ca.ipisjournals.ir/article_10450_2f6ee14cbed76c1d6ea2b443ebcb5d5d.pdf.

شعرباف، جواد و جریست، هاجر (۱۳۹۸). روابط روسیه و اسرائیل در پرتو نقش منطقه‌ای ایران. *روابط خارجی*، ۱۱(۴).

http://frqjournal.csr.ir/article_118394.html.

شوری، محمود (۱۳۹۵). نگرانی روسیه از ورود ایران به بازار انرژی اروپا. مرکز تحقیقات استراتژیک، گزارش شماره ۱۸۷.

صادقی، سید شمس‌الدین، اخوان کاظمی، مسعود و لطفی، کامران (۱۳۹۴). بحران سوریه و مناقشه ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای. *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*،

۴(۱۶). https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article_853.html.

صادقی، سید شمس‌الدین (۱۳۹۴). امنیت انرژی چین و ژئوآکونومیک انرژی ایران. *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۷(۲۲).

http://pir.iaush.ac.ir/article_556115.html.

صادقی، سید شمس‌الدین (۱۳۹۱). راهبرد سیاست انرژی روسیه در اورسیا: فرصت‌ها و موانع. *روابط خارجی*، ۴(۱).

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=152021>.

عباسی، مجید و عصار، احمدرضا (۱۳۹۴). سیاست خارجی روسیه در قبال رشد سلفی‌گری در خاورمیانه. *فصلنامه سیاست پژوهی*، ۲(۱).

http://prb.iauctb.ac.ir/article_510758.html.

فرجی‌راد، عبدالرضا و صالحی دولت‌آباد، روح‌الله (۱۳۹۶). اهمیت نقش انرژی در سیاست خارجی روسیه. *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲۳(۹۸).

http://ca.ipisjournals.ir/article_28045.html

قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴). *اصول روابط بین‌الملل*. چاپ اول. تهران: نشر میزان.

گل‌محمدی، ولی (۱۳۹۴). پویایی‌های امنیتی روابط روسیه و ترکیه (۲۰۰۱-۲۰۱۵). *روابط خارجی*، ۷(۴).

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=268409>.

گیلپین، رابرت (۱۳۸۷). *اقتصاد سیاسی جهانی*، درک نظم اقتصاد بین‌الملل. (مهدی میرمحمدی، محمود یزدان‌فام، علیرضا خسروی و محمد جمشیدی، ترجمه).

تهران: تدبیر اقتصاد.

معین‌الدین، جواد و انتظارالمهدی، مصطفی (۱۳۸۹). امنیت انرژی و دیپلماسی انرژی روسیه. *دانشنامه علوم سیاسی*.

https://daneshnameh.srbiau.ac.ir/article_4022.html.

نوری، علیرضا (۱۳۸۹). سیاست خارجی روسیه در دوره پوتین، اصول و روندها. تهران: دانشگاه امام حسین علیه‌السلام.

نیاکوئی، سید امیر و کریمی‌پور، داود (۱۳۹۴). دیپلماسی انرژی اسرائیل؛ مبانی و اهداف منطقه‌ای. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۷(۲۲).

<https://www.sid.ir/FileServer/JF/27113942202.pdf>

Alpher, Y. (2014). *Israel and BRICS*, Norwegian Peace building Resource Center, Expert Analysis. <https://css.ethz.ch/en/services/digitallibrary/publications/publication.html/184175>.

Bacik, G. (2016). *Turkey and Russia's Proxy War and the Kurds*, the German Marshall Fund of the United States, P. 105.

Baev, P. (2015). *Russia as Opportunist or Spoiler in the Middle East?* Italian Journal of International Affairs, 50(2). <https://www.prio.org/Publications/Publication/?x=8669>.

Bagdonas, A. (2012). *Russia's Interests in the Syrian Conflict: Power, Prestige, and Profit*, European Journal of Economic and Political Studies, <https://ideas.repec.org/a/fat/fejeps/ejeps0094.html>.

Bailey, M. (2015). A Strategic Alliance: An Exploration of Israeli Russian Relations, SIT Digital Collections, https://digitalcollections.sit.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=3008&context=isp_collection.

Belobrov, Y.Y. & Demidenko S.V. (2014). *Modern Russian-Iranian Relations: Challenges and Opportunities*, Russian International Affairs Council <https://russiancouncil.ru/upload/WP14Russia-Iran-En.pdf>.

Bourgeot, R. (2013). *Russia-Turkey: A Relationship Shaped by Energy*. Russia/NIS Center <https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/ifiremibourgeotrussiaturkeyengmarch2013.pdf>.

Delanoe, I. (2015). The Kurds: A Channel of Russian Influence in the Middle East, Franco-Turkish Paper (14), https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/ifri_rnv_85_eng_the_kurds_a_channel_of_russian_influence_in_the_middle_east_delanoe_june_2015_0.pdf.

Gafarlı, T. (2020). Energy Brinkmanship: Saudi Arabia, Russia and the Oil Price War, *researchcentre.trtworld*, <https://researchcentretrtworld>.

- wpcomstaging.com/wpcontent/uploads/2020/11/Energy_Armageddon.pdf.
- Ghanem, A. (2010). *Ethnic Politics in Israel, the margins and the Ashkenazi center*. London: Rutledge.
- Gilpin, R. (1987). *The Political Economy of International Relations*. New Jersey: Princeton University Press.
- Henderson, J. (2017). *Russian LNG Progress and delay in 2017*. Oxford Energy Institute
<https://www.oxfordenergy.org/publications/russian-lng-progress-delay-2017/>
<https://www.gmfus.org/publications/turkey-and-russias-proxy-war-and-kurds>.
- Kaura, V. (2017). *The Dynamics of Saudi-Russian Relations*. BESA Center Perspectives Paper No. 623. <https://besacenter.org/perspectives-papers/russia-us-saudi-relations/>.
- Kozhanov, N. (2015). *Understanding the Revitalization of Russian-Iranian Relations*, Carnegie Endowment for International Peace, http://carnegieendowment.org/files/CP_Kozhanov_web_Eng.pdf.
- Krasna, J. (2018). *Moscow on the Mediterranean: Russia and Israel's Relationship*, <https://www.fpri.org/wp-content/uploads/2018/06/krasna2018.pdf>.
- Mitrova, T. & Yermakov, V. (2019). *Russia's Energy Strategy-2035: Struggling to Remain Relevant*, IFRI. <https://www.ifri.org/en/publications/etudes-de-lifri/russieneireports/russias-energy-strategy-2035-struggling-remain>.
- Nurieva, G. (2017). *Natural Gas Factor in Israel-Turkey- Russian energy triangle*. Turkish Journal of Middle Eastern Studies, 4(1). DOI: 10.26513/toed.306752.
- Özbay, F. (2011). *The Relations between Turkey and Russia in the 2000s*, Perceptions, XVI(3). https://www.researchgate.net/publication/289088222_The_relations_between_Turkey_and_Russia_in_the_2000s.
- Parker, J.W. (2016). *Russia-Iran: Strategic Partners or Competitors?* Baker institute for Public Policy, <https://www.bakerinstitute.org/research/russia-iran-strategic-partners-or-competitors/>.
- Razoux, P. (2008). *The keys to understanding the Israel-Russia relationship*. research Division - *NATO Defense College*, Rome - No. 42 https://www.files.ethz.ch/isn/94348/rp_42en.pdf.

- Sladden, J., Wasser, B., Connable, B., Grand-Clement, S. (2017). *Russian Strategy in the Middle East*, RAND Corporation, PE-236-RC
https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/PE200/PE236/RAND_PE236.pdf
- Talukdar, I. (2015). Dissonance between Saudi Arabia and Russia, *ICWA View Point* [https://www.icwa.in/show_content.php? lang=1&level=3&ls_id=672&lid=61](https://www.icwa.in/show_content.php?lang=1&level=3&ls_id=672&lid=61) ش3.
- Yalinkiliçli, E. (2012). Turkish-Russian Energy Rapprochement: What it means for Ukraine A realistic look from within Turkey, *European Focus*.
http://pasos.org/wp-content/uploads/2012/09/EF_17-18_2012_ENG.pdf.
- <https://www.cnbc.com/2017/10/19/russias-rosneft-to-take-control-of-major-kurdish-oil-pipeline.html>.
- <https://jamestown.org/program/russia-shows-interest-in-samsun-ceyhan-oil-pipeline-proposal/>.
- <https://arirusila.wordpress.com/tag/turk-stream/>.
- <https://www.eghtesadonline.com/n/1tJD>.
- <https://orientalreview.org/2017/11/04/russias-iranian-energy-deal-killed-four-birds-with-one-stone>.
- <https://tradingeconomics.com/israel/imports/russia>.
- <https://www.mei.edu/publications/how-sustainable-russian-saudi-energy-cooperation>